

آیا علم و دین سازگارند؟  
(مناظرهٔ پلنتینگا و دنت)

Daniel Dennett, Alvin Plantinga  
***Science and Religion: Are They Compatible?***  
Oxford University Press, 2011

---

سرشناسه: دنت، دانیل کلمنت، ۱۹۴۲- م.

Dennett, D. C. (Daniel Clement)

عنوان و نام پدیدآور: آیا علم و دین سازگارند؟ (مناظره پلنتینگا و دنت)/  
آلوین پلنتینگا، دنیل دنت؛ ترجمه مهدی غیاثوند؛ ویراستار فاطمه حمصیان کاشان  
مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۴۰۲  
مشخصات ظاهری: ۱۰۸ ص.

فروست: مجموعه گفت‌وگواندیشی/ دبیر: حسین شیخ‌رضایی

شابک: 978-622-7765-50-2

عنوان دیگر: مناظره پلنتینگا و دنت

موضوع: علم و دین

شناسه افزوده: پلنتینگا، آلوین، ۱۹۳۲- م.

شناسه افزوده: غیاثوند، مهدی، ۱۳۶۳-، مترجم

شناسه افزوده: شیخ‌رضایی، حسین، ۱۳۵۵-

رده‌بندی کنگره: BL۲۴۰/۳

رده‌بندی دیویی: ۲۰۱/۶۵

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۰۶۶۸۴۷

---

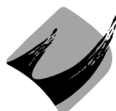
# آیا علم و دین سازگارند؟

(مناظره پلنتینگا و دنت)

آلویس پلنتینگا، دنیل دنت

ترجمه

مهدی غیاثوند



نشرکردن

همه حقوق برای نشر کرگدن محفوظ است.  
www.kargadanpub.com  
telegram.me/kargadanpub  
instagram.com/kargadan.pub



مجموعه گفت‌وگو اندیشی - ۸

دبیر: حسین شیخ‌رضایی

آیا علم و دین سازگارند؟ (مناظره پلنتینگا و دینت)

نویسندگان: آلوین پلنتینگا، دنیل دینت

مترجم: مهدی غیاثوند (عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی)

ویراستار: فاطمه حمصیان کاشان

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: زعفران

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۶۵-۵۰-۲

چاپ اول: ۱۴۰۲

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

## یادداشت دبیر مجموعه

«اندیشیدن» فارغ از محتوای آن و بی‌توجه به آنکه در کدام زمینه و رشته و با چه نیت و هدفی انجام می‌گیرد، در ذات خود فرایندی «گفت‌وگویی» است. لازم است که اندیشنده حتی در کنج تنهایی خود بتواند از موضع مورد قبولش فاصله بگیرد، مسئله را از زوایایی دیگر بکاود، «وانمود» کند که با آنچه طرح شده مخالف است و بکوشد از منظری دیگر، عموماً از منظری انتقادی، به فرایند و دستاوردهای اندیشه خود بنگرد. گفت‌وگو با نیمه دیگر خود، در بنیادی‌ترین لایه، مقوم و سازنده اندیشیدن است. از سوی دیگر، بدون چنین گفت‌وگویی احتمال رخ دادن خطا در اندیشه و ناکارآمدی آن بسیار بالاست. به همین دلیل عجیب نیست اگر ادعا کنیم گفت‌وگو تضمین‌کننده ثمربخشی اندیشه است.

اما اندیشنده علاوه بر خود، با بسیاری افراد، نهادها و رقیبان دیگر نیز در گفت‌وگو است. هر اندیشیدنی واکنشی است به وضعیت موجود. حتی در فلسفه‌ورزی، انتزاعی‌ترین نوع اندیشیدن، اندیشنده درصدد صورت‌بندی دلایل موافقت و/یا مخالفت خود با مرزها، تقسیم‌بندی‌ها و مقولات اندیشگی عرضه شده از سوی دیگران است. در اینجا اندیشنده حتی اگر برنهادی کاملاً تازه و بدیع نیز مطرح کند، در واقع جای چنین آموزه‌ای را در سیر اندیشه «دیگران» خالی دیده است. چنین است که اندیشیدن، حتی در خلوت و تنهایی، کنشی است از بنیاد اجتماعی که گفت‌وگو در قلب آن جای دارد. گفت‌وگو سهمی مهم‌تر نیز در قوام بخشیدن به اندیشه دارد. بسیاری از ما آدمیان چنان‌ایم که تا اندیشه خود را با زبان بلند و برای خود/دیگران بازگو نکنیم، آن اندیشه برای ما وضوح نمی‌یابد و زوایای تاریک آن روشن نمی‌شود. گفت‌وگو، حتی اگر یک سویه باشد، چراغی است که دست‌کم فضای ذهنی گوینده را برای خود او روشن‌تر می‌کند. پس بی‌دلیل نبوده است که گفت‌وگو در مقام قالبی بیانی در زمره شایع‌ترین قالب‌های مورد علاقه بزرگ‌ترین اندیشمندان تاریخ بشر بوده است. سقراط،

پدر فیلسوفان تمام دوران‌ها، جز گفتن و شنیدن کاری نکرد و افلاطون حتی مخالفت‌های احتمالی خود را با اندیشه‌های استادش جز از زبان شخصیت‌های درگیر گفت‌وگو عرضه نداشت. در غرب و شرق هرگاه متفکر و استادی در پی عرضه افکار و تعالیم خود بوده راهی مناسب‌تر از گفت‌وگو، ولو خیالی، با شاگردان و هم‌تایان و مخالفان خود نیافته است. در زمانه انقلاب‌های علمی، عصر روشنگری و دیگر دوران‌های تحولات سترگ اجتماعی در حیات بشر نیز راهی مناسب‌تر از به‌کارگیری متن‌های مبتنی بر گفت‌وگو، برای نشان دادن تواضع علمی، صداقت اجتماعی و حقیقت‌دوستی نویسندگان، در اختیار نبوده است. و این همه جز اندیشمندانی است که مستقیماً «گفت‌وگو» را دستمایه اندیشه‌ورزی خود قرار داده‌اند و در باب این پدیده نظریه‌پردازی کرده‌اند.

گفت‌وگو نسبت دیگری نیز با اندیشه دارد. در فضای عاری از گفت‌وگو، فضایی که در آن به‌جای گفتن و «شنیدن» تنها گفتن و «نشیدن» در کار باشد، اندیشمند بزرگی سر بر نخواهد آورد. در اینجا محتوای گفت‌وگو چندان مهم نیست که اصل وجود آن. بدون تمرین گفت‌وگو در جمع ما نه سلامت روان خواهیم داشت و نه قادریم گفت‌وگویی ثمربخش با خود داشته باشیم، امری که پیش‌نیاز هر اندیشیدن اصیلی است. بی‌دلیل نیست که امروزه از گفت‌وگو به‌عنوان نوعی درمان و تسهیل‌کننده زیست‌جمعی یاد می‌کنند. رواج گفت‌وگو، در هر سطح و با هر موضوعی، نشانه قابل‌اعتمادی است از میزان متمدن بودن یک اجتماع.

در این مجموعه، با عنایت به نقش نازدودنی گفت‌وگو در شکل‌دهی و ارتقای اندیشه، درصددیم برخی از بهترین نمونه‌های گفت‌وگو میان اندیشمندان در حوزه‌های مختلف را در اختیار فارسی‌زبانان قرار دهیم. آنچه در این مجموعه حائز اهمیت است نه محتوای گفت‌وگوها که قالب و سبک آنها است، حتی واقعی یا خیالی بودن گفت‌وگوها نیز تعیین‌کننده نیست. این مجموعه تلاشی است برای معرفی و تمرین اندیشیدن از راه آشنایی با برخی از جذاب‌ترین نمونه‌های گفت‌وگو، چیزی که آن را «گفت‌وگو اندیشی» نامیده‌ایم.

## فهرست

۱	یادداشت مترجم - - - - -
۳	پیش‌گفتار - - - - -
۵	فصل ۱: جایگاه واقعی تعارض / آلوین پلنتینگا - - - - -
۲۷	فصل ۲: حقایق که ره به جایی نمی‌برند: طبیعی‌انگاری بی‌گزند / دنیل سی. دنت - - - - -
۳۹	فصل ۳: سوپرمن در برابر خداوند؟ / آلوین پلنتینگا - - - - -
۴۵	فصل ۴: عادات ذهنی و تأثیرشان بر باورناپذیری / دنیل سی. دنت - - - - -
۵۵	فصل ۵: طبیعی‌انگاری در ستیز با علم / آلوین پلنتینگا - - - - -
۷۱	فصل ۶: نیازی به معجزه نیست / دنیل سی. دنت - - - - -
۷۵	پس‌گفتار مترجم - - - - -





## یادداشت مترجم

اثر پیش روی شما را امروز می‌توان از کلاسیک‌های فلسفهٔ دین به شمار آورد؛ به تعبیر مایکل پترسون<sup>۱</sup>، «اثری مختصر و مفید و سراسر ... برای تدریس در دوره‌های علم و دین، علم و فرهنگ و فلسفهٔ دین». این کتاب تاکنون به زبان‌های ایتالیایی، لهستانی، رومانیایی، پرتغالی (در برزیل) و کره‌ای بازگردانده شده است.<sup>۲</sup> کتاب نسخهٔ مکتوب مناظرهٔ دو فیلسوف، آلون پلنتینگا<sup>۳</sup> و دنیل دِنِت<sup>۴</sup>، در زمینهٔ رابطهٔ علم و دین و با موضوع مشخص «سازگاری علم و دین» است. دست‌اندرکاران برگزاری مناظره و منتشرکنندگان این نسخهٔ مکتوب به‌دقت در راه انصاف کوشیده‌اند. برای نمونه، آغازگر مناظره پایان‌دهندهٔ آن نیست، پس از مناظره، فرصت بازنگری دقیق و مکتوب ساختن گفته‌ها به هر دو طرف داده شده است و از این دست ملاحظات معمول. مترجم نیز، از سر همراهی، بر آن شد و بهتر دید که پیش از متن اصلی مناظره و نیز در میان آن، جز در مواردی نادر، خاموش بماند و افزوده‌ای نیاورد. گاه گفته‌اند مترجم خائن است! حرفی نیست، اما در راه‌گریز از خیانت‌های گریز‌پذیر، تا مرزهای توان کوشش شد.

---

1. Michael L. Peterson

۲. مشخصات کتاب‌شناختی این ترجمه‌ها را در این نشانی ببینید:

<https://ase.tufts.edu/cogstud/dennett/bibliography.html>

3. Alvin Carl Plantinga

4. Daniel Dennett

اما در پس‌گفتاری کوتاه، با هدف آشنایی بیشتر با دو شخصیت مناظره، دینت و پلنتینگا، کمی دربارهٔ این دو نوشته‌ام. سپس پای در راه به دست دادن تحلیلی از این مناظره، در راه برداشتن گوشت و پوست و مو و آشکار ساختن استخوان‌بندی عقلانی مباحث، نهاده‌ام. امید که در هیچ‌جا، به نقض اغراض مناظره دچار نشده و پا از دایرهٔ انصاف برون ننهاده باشم.

مهدی غیاثوند

بهار ۱۴۰۲

## پیش‌گفتار

بازپسین بازهٔ زمانی گردهمایی شاخهٔ مرکزی انجمن فلسفی امریکا بود، سال ۲۰۰۹ و در شیکاگو. نشست‌هایی که در این بازهٔ زمانی برگزار می‌شوند، به دلایلی معلوم، معمولاً مخاطب چندانی ندارند. اما مناظرهٔ دنت<sup>۱</sup> و پلنتینگا<sup>۲</sup> حکایتی دگر داشت. به اتاق اختصاص یافته به نشست نزدیک و نزدیک‌تر می‌شدم که به اتاقی بسیار بزرگ‌تر هدایت‌م کردند. با اینکه ده دقیقه‌ای هم زودتر به اتاق جدید نشست رسیده بودم، همهٔ صندلی‌ها پر بود. یا باید در انتهای اتاق می‌ایستادم یا باید به خیل کسانی می‌پیوستم که اندک‌اندک در حال پرکردن راهرو میان اتاق بودند. به‌جای این دو، تصمیم گرفتم قدم‌زنان تا بیخ دیوار جلوی اتاق بروم و یک جای خالی پیدا کردم: کنار دیوار و درست چسبیده به جایگاه سخنرانان. دیگر از این نزدیک‌تر نمی‌شد.

به‌سرعت و کم‌وبیش، تمام کف اتاق پر شد. استقبالی پرشور، به پرشوری استقبال از سخنرانی یک رییس‌جمهور. فضای نشست سرشار از همه‌مه و هیجان بود و به نشست‌های معمول فلسفی نمی‌ماند. می‌شد گفت مردم چشم به راه خدایی به یادماندنی هستند و همین‌گونه هم بود.

پلنتینگا سخنان خود را با محدود ساختن عنوان مناظره از «آیا علم و دین سازگارند؟» به «آیا نظریهٔ کنونی فرگشت و خدای مسیحیت سنتی سازگارند؟»

---

1. Alvin Plantinga  
2. Daniel Dennett

آغاز کرد. نظرش این بود که نظریهٔ کنونی فرگشت و خدای مسیحیت نه تنها سازگارند، که به بار آمدن «شگفتی‌های جانداران» از رهگذر فرگشتی هدایت‌ناشده باورناپذیر می‌نماید. باری، نظریهٔ فرگشت را باور داشتن نیازمند باور داشتن خدا است.

دنت، به‌گونه‌ای کم‌وبیش شگفت‌آور، دست‌کم در آغاز، در پذیرش سازگاری نظریهٔ کنونی فرگشت و خدا باوری با پلنتینگا هم‌داستانی کرد. باری، آنچه دنت به شدت رد می‌کرد باورناپذیری فرگشت هدایت‌ناشده بود و اینکه باور داشتن به نظریهٔ فرگشت مستلزم باور داشتن خدا است.

در مقاطع مختلفی از بحث، هم دنت و هم پلنتینگا، برای به کرسی نشاندن سخن خود، پای سوپرمن، در پوشش‌های گوناگون، مایکل بهی<sup>۱</sup>، شیمی‌دان آلی، انواع ماشین حساب جیبی، از اشکال ساده گرفته تا پیچیده، همه و همه را به میان کشیدند. مناظره که تمام شد، حقیقتاً هیچ‌کس نمی‌خواست به پایان برسد.

بدین‌روی، در این کتاب شرایط ادامه یافتن مناظره را فراهم کردیم. نخست، مناظره را، آن‌چنان‌که در اصل رخ داده بود، بازسازی کردیم. آنگاه، پاسخی از دنت به پلنتینگا، پاسخ دیگری از پلنتینگا به دنت و پاسخی پایانی از دنت به پلنتینگا به آن افزودیم. امید که در این نسخهٔ مبسوط مناظره، یکی از این فیلسوفان برجسته در همراه ساختن شما با خود و بر کرسی نشاندن سخنش پیروز باشد.

جیمز پی. استربا<sup>۲</sup>

ویراستار مجموعه

1. Michael Behe  
2. James P. Sterba

## علم و دین: جایگاه واقعی تعارض

آلوین پلنتینگا

پرسش ما این است که آیا علم و دین سازگارند؟ دقیق‌تر ساختن این پرسش چه‌بسا پیشنهادی راه‌گشا باشد: علم چیست؟ دین چیست؟ ناسازگاری چیست؟ و کدام نوعش در اینجا مصداق دارد (تناقض صریح، تناقض ضمنی، تناقض در حضور افتراضات پذیرفتنی، نامحتمل بودن ترکیب عطفی علم و دین<sup>۱</sup>)؟ برخی مدعی‌اند خداباوری خودش دچار ناسازگاری است و از این رو و طبیعتاً با علم (و هرچیز دیگری) ناسازگار است. درمقابل، برخی نیز همین ادعا را در مورد علم دارند: نظریهٔ کنونی نسبیت عام و مکانیک کوانتومی کنونی ناسازگارند، پس علم کنونی خودش دچار ناسازگاری است و بدین‌روی با دین (و هرچیز دیگری) ناسازگار است. اینها موضوعات خوبی‌اند، اما به ناچار، باید بگذاریمشان برای بعد. فعلاً فرض می‌گیریم که فهمی، هرچند صیقل نیافته، از پرسشمان داریم.

---

۱. گاهی تناقض در میان اعضای یک مجموعه صریح و آشکار است. برای نمونه، مجموعهٔ متشکل از دو گزارهٔ «آبی رنگ زیبایی است» و «آبی رنگ زیبایی نیست» آشکارا و به‌گونه‌ای صریح متناقض است. گاهی تناقض ضمنی است؛ به این معنا که مجموعه، به‌خودی‌خود و در نگاه نخست، دچار تناقض نیست، اما اضافه شدن یک گزارهٔ ضرورتاً صادق تناقض را آشکار می‌کند. گاهی هم تناقض آشکار نیست و با اضافه شدن فرضی معقول و پذیرفتنی، برای نمونه یک قاعدهٔ منطقی، تبدیل به یک تناقض آشکار می‌شود. و سرانجام، گاهی مقصود از تناقض محتمل نبودن ترکیب عطفی دو یا چند گزاره است. - م.

هنگام سخن گفتن از دین، معنای عام آن مدنظر نیست و دین خدا باور و به‌ویژه مسیحیت را در نظر دارم؛ به هنگام سخن گفتن از مسیحیت هم، به تعبیر سی. اس. لوییس<sup>۱</sup>، «مسیحیت محض» را مدنظر دارم که گونه‌ای قدر مشترک مذاهب مسیحی است. آنچه خواهیم گفت آشکارا معطوف به مسیحیت است، اما به بسیاری از روایت‌های یهودیت و اسلام نیز مربوط است.

اصولاً چرا باید فکر کنیم در اینجا تعارضی وجود دارد؟ پاسخ‌های بسیاری پیش رویمان قرار داده‌اند. یکی اینکه دین خدا باور بر فعل خاص الاهی در جهان - مثلاً معجزات - مَهر تأیید می‌زند. اما چنین فعلی ناقض قوانینی است که علم آنها را ترویج می‌کند. چیزی با عنوان جهان‌بینی علمی هست که با دین خدا باور ناسازگار است. مسیحیت مستلزم باور به آفرینش آدمی بر صورت خداوند است، اما نظریهٔ کنونی فرگشت، اگر به‌درستی فهمیده شود، مستلزم این است که نه خدا و نه هیچ‌کس دیگری پا به عرصهٔ هستی نهادن آدمی را طراحی، برنامه‌ریزی یا قصد نکرده است. روان‌شناسی فرگشتی سرشار از نظریه‌هایی است که با فهم‌های خدا باورانه از آدمی ناسازگارند. برخی پژوهش‌های تاریخی علمی در باب متن مقدس از کذب یا بی‌اساسی برخی مدعیات تاریخی مسیحیت، مانند رخداد مرگ عیسی مسیح و بازگشتش به زندگی، سخن می‌گویند. همهٔ اینها بسیار جذاب‌اند، اما در این گفتار، خود را به مجموعهٔ مسائلی پیرامون نظریهٔ فرگشت محدود می‌کنم. استدلال خواهیم کرد که ۱. نظریهٔ کنونی فرگشت با خدا باوری ناسازگار نیست؛ ۲. استدلال‌های اصلی ضد خدا باوری، که بر فرگشت، در کنار مقدمه‌هایی دیگر استوارند، نادرست‌اند؛ ۳. حتی اگر علم کنونی، خواه فرگشت خواه دیگر بخش‌هایش، با باور دینی ناسازگار باشد، نباید نتیجه‌گرفت خدا باوری غیر عقلانی یا بی‌پایه یا دچار مشکلی از این دست است؛ و در پایان، ۴. طبیعی‌انگاری، یعنی باور به عدم وجود خدای ادیان خدا باور یا چیزی شبیه او، عنصری اساسی در جهان‌بینی طبیعی‌انگاره است، جهان‌بینی‌ای که خود گونه‌ای شبه‌دین است، به این معنا که ایفاگر برخی از مهم‌ترین نقش‌های دین است، جهان‌بینی‌ای که در واقع با فرگشت ناسازگار است. بنابراین، ناسازگاری‌ای میان

1. C. S. Lewis